

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

شراب

تو نگفتی ، بیا شراب خوریم
فصل پیری به یاد شتاب خوریم
وسکی و ، واین و ، ودکه خالص
یک یکی کرده انتخاب خوریم
فرق ، از دست و پای نشناسیم
عرق خالص گلاب خوریم
ساقی گلرخ ، طلا مویی
گر دهد آتش مذاب خوریم
من نگفتم که تو ، به من گفتی
ساغری از شراب طاب خوریم
لیک ، یار و رفیق دیگری ما
بخدا گفت ، با جناب خوریم
گفت ! چند بار وعده کرد و شکست

تازه بندیدم و با شتاب خوریم
در شب جشن (سال نو) بر من
گفت! باهم رحیق ناب خوریم
گفتم هرگز ندارم عادت می
ورنه بالا تر از حساب خوریم
گفت! سال نو است ، توبه شکن
با نوای نی و رباب خوریم
رقص ، رقصان میان مهرویان
پای کوبان ، به پیچ و تاب خوریم
گر بخواهی کسی خبر نشود
گوشه ای رفته در غیاب خوریم
عاقبت خواند شعر (وعده خلاف)
که ترا گفته ، بی حجاب خوریم
گفت! بر درد دل کنم نشرش
کس نفهمد ، در احتجاب خوریم
گفتمش! ای برادر گل من
از می و باد ، اجتناب خوریم
ور بخواهی شراب روحانی
هردم از ساغر و هاب خوریم
ناگهان ، خامه ام به جولان شد
گفت! بیجاست گر زکاب خوریم
نامه از خون دل شدی رنگین
حال از طعنه اش خضاب خوریم
تا دفاع کردم از جناب شما
تیغ بیداد ، بر رقاب خوریم

آنچه را گفت ، ساده بنوشتم
جامِ بیدار را به خواب خوریم
من ز (ودگه) و (بار) بیخبرم
که به دامن ، ز هر قطاب خوریم
تو که دیوارِ خشکی و بی نم
بهرِ چه نم کشیده آب خوریم
از چه رو پَر ببندی بر سرِ خویش
گویی شبهای ماهتاب خوریم
لب به می ، تر نکرده ام هرگز
غوطه در بحرِ انجذاب خوریم
تهمتِ را نبسته ام به کسی
قَسَمِ خامِ ارتکاب خوریم
شاعری ، مایهٔ فساد شده
طعنۀ دار ، از طناب خوریم
« نعمتا » حرفِ حق مزین دیگر
کز پدر ، تیغِ ارتیاب خوریم